

## بررسی چگونگی رابطه بین شاخص قدرت و پدیده‌ی ادب زبانی در روند بازجویی به لحاظ زبان‌شناختی: رویکردی گفتمانی و حقوقی

غزل باغبانی<sup>۱</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور

فاطمه کرم‌پور

استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۰/۲۷؛ تاریخ پذیرش مقاله ۹۶/۱۲/۱۱

### چکیده

تأثیر عامل قدرت در گفتمان دادگاه کیفری و روند بازجویی با عوامل زیادی همچون شرایط اختصاصی بافت موقعیتی جلسه بازجویی و تفاوت سطح اجتماعی بین بازجوی پلیس و متهم ظهور پیدا می‌کند. پژوهش حاضر در نظر دارد با استفاده از راهبردهای ادب براون و لوینسن (۱۹۸۷) به بررسی و توصیف نقش اصل ادب در روند بازجویی بپردازد. هدف پژوهش حاضر، تحلیل و توصیف رابطه بین ابزار قدرت و پدیده‌ی ادب در پیشبرد روند بازجویی است؛ زیرا اصل ادب با روابط قدرت تنیده شده است. نمونه‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر شامل یازده متن بازجویی به صورت شفاهی و مکتوب است که به روش تصادفی از بین پرونده‌های قضایی موجود در دادرسی عمومی و انقلاب استان بوشهر انتخاب گردیده است. نتایج به دست آمده نشان داد که با رعایت ادب (راهبردهای ادب براون و لوینسن (۱۹۸۷)) نمی‌توان مسیر بازجویی را به خوبی پیش برد؛ زیرا متهمان به دلیل نبودن فشار و تهدید از پاسخگویی به سؤال‌ها طفره می‌روند؛ ولی با اعمال فشار و لحن تهدیدی که از نشانه‌های قدرت است، می‌توان مسیر بازجویی را به خوبی پیش برد.

**واژه‌های کلیدی:** شاخص قدرت، ادب زبانی، روند بازجویی، زبان‌شناختی، گفتمان حقوقی.

g.baghbani83@gmail.com

<sup>۱</sup> رایانامه نویسنده مسئول:

## ۱- مقدمه

پدیده‌ی ادب<sup>۱</sup> برای ساختار و حفظ روابط اجتماعی بسیار مهم و ضروری است. در واقع، می‌توان بیان نمود که پدیده‌ی ادب در روابط اجتماعی حکم قلب رابطه اجتماعی و تعامل را دارد (براون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵: ۳۲۶). از سال ۱۹۷۰، پدیده‌ی ادب در تعاملات اجتماعی بسیار مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و این پدیده دید وسیعی را برای موضوعات مختلف فراهم نموده است؛ به‌عنوان نمونه: توسعه ادب در تعاملات طبیعی، ادب به‌عنوان انگیزه کاربردی برای ساختار زبان‌شناختی و غیره (براون، ۲۰۱۵: ۳۳۰).

راهکارهای قدرت اجتماعی و فاصله‌ی اجتماعی، مرتبط با استراتژی‌های اصل ادب هستند. هر جامعه‌ای، اصول و قواعد خاصی در مورد پدیده‌ی ادب و راهبردهای آن دارد. در نظر گرفتن هنجارهای فرهنگی هر جامعه برای تعامل داشتن، می‌تواند کمک قابل توجهی به فعل‌وانفعالات درون فرهنگی در مورد این پدیده داشته باشد (شاهرخی و بیدآبادی، ۲۰۱۳: ۲۵). افراد در هنگام برقراری ارتباط می‌بایست مراقب رفتار و کردار خود باشند. مکالمه‌ی غیرمؤدبانه یا پرخاشگرانه منجر به کشمکش بین گوینده و شنونده می‌شود؛ بنابراین بهتر است پدیده‌ی ادب به‌عنوان یک استراتژی مهم در مکالمه‌ی روزانه افراد حضور داشته باشد (علی‌اکبری و معلمی، ۲۰۱۵: ۹۸۱).

در محاکم قضایی نیز به‌دلیل رسمی بودن محیط دادگاه، همه‌ی عوامل و کارکنان سعی در حفظ و رعایت ادب را دارند. پژوهش حاضر با هدف تحلیل و توصیف رابطه بین ابزار قدرت<sup>۳</sup> و پدیده‌ی ادب در پیشبرد روند بازجویی در نظر دارد به توصیف چگونگی نقش اصل ادب بر روی پرونده‌های قضایی بپردازد؛ بنابراین پژوهش حاضر در حوزه زبان‌شناسی حقوقی قرار دارد. پیکره زبانی پژوهش شامل یازده متن بازجویی به‌صورت شفاهی و مکتوب است که به روش تصادفی از بین پرونده‌های قضایی موجود در دادرسی عمومی و انقلاب استان بوشهر انتخاب شده است. چارچوب نظری پژوهش، نظریه ادب براون و لوینسن<sup>۴</sup> (۱۹۸۷) است و فرض شده است که با رعایت ادب (راهبردهای ادب براون و لوینسن (۱۹۸۷)) و قدرت می‌توان روند بازجویی را به‌خوبی پیش برد. به‌عبارت‌دیگر، بر آنیم بدانیم که: (۱) رعایت پدیده‌ی ادب از سوی بازجوی

1. politeness

2. P. Brown

3. power

4. S. Levinson

پلیس چه تأثیری بر پیشبرد روند بازجویی می‌تواند داشته باشد؟ (۲) چه عواملی از سوی متهم باعث می‌شود که بازجوی پلیس در روند بازجویی پدیده‌ی ادب را نقض کند؟ (۳) چه رابطه‌ای میان قدرت بازجوی پلیس و متهم و رعایت ادب از سوی آنها وجود دارد؟

## ۲- تعاریف و پیشینه نظری

### ۲-۱- زبان‌شناسی حقوقی<sup>۱</sup>

زبان‌شناسی حقوقی یکی از گرایش‌های کاربردی و بسیار مفید زبان‌شناسی است که از دهه ۱۹۸۰ میلادی، در اروپا به صورت گسترده و علمی، مورد توجه قرار گرفته است؛ اما این رشته در کشور ما بسیار نوپا است که با مقاله تحقیقی آقاگل‌زاده (۱۳۹۱) تحت عنوان «زبان‌شناسی حقوقی (قضایی) رویکرد نوین در زبان‌شناسی کاربردی» در اولین اجلاس ملی انجمن زبان‌شناسی ایران که در اسفند ۱۳۸۴ در دانشگاه تهران برگزار شد، برای نخستین بار مطرح شد. با اینکه تاکنون پژوهش‌های مفیدی در زمینه زبان‌شناسی حقوقی در کشور ما انجام گرفته، بسیاری از جنبه‌های آن هنوز به درستی مورد بررسی قرار نگرفته است و با توجه به کاربردهای بسیار بالایی که این حوزه می‌تواند برای سازمان‌های قضایی، دادگاه‌ها، پلیس و مانند آن داشته باشد، نیاز به بومی‌سازی این رشته و زیر گرایش‌های مربوط به آن در کشور به خوبی احساس می‌شود (نامورفرگی، ۱۳۹۲: ۱۴۴).

### ۲-۲- گفتمان حقوقی<sup>۲</sup>

زبان حقوقی به دلیل ویژگی‌های خاص خود همواره برای غیر حقوق‌دانان کمتر قابل درک بوده است (بیات‌مختاری، ۱۳۹۱: ۴). در گفتمان حقوقی، قدرت و جایگاه اجتماعی کنشگران در جایگاه فرادست (مانند قاضی) و فرودست (مانند خواننده یا متهم) در چگونگی هدایت و شکل‌دهی روایت و گفتمان دادگاه و مراکز پلیس (بازجویی‌ها) نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۳).

یول<sup>۳</sup> و براون (۱۹۸۳: ۱) تعریفی که از تحلیل گفتمان بیان می‌دارند این است که تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است که در این صورت نمی‌تواند

<sup>۱</sup> forensic linguistics

<sup>۲</sup> forensic discourse

<sup>۳</sup> G. Yule

منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و نقش‌هایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به‌وجود آمده‌اند. از نگاه تحلیل گفتمان انتقادی<sup>۱</sup>، تحلیل گفتمان حقوقی<sup>۲</sup> باید به نقش و چگونگی به‌کارگیری شاخص‌های زبان قدرت و زبان ضعف توسط شرکت‌کنندگان در گفتمان بپردازد. وجود پرسش‌های جویای اطلاعات موردنیاز از متهمان و طبقه‌بندی و پرسش‌های جویای تأیید و هدایت آنها از متهمان تا وصول به نتیجه و کشف حقیقت در بازجویی‌ها و محاکمه دادگاه‌ها، در همین مقوله می‌گنجد (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۳).

### ۲-۳- شاخص زبان‌شناختی قدرت

یکی از مفاهیم مهم در تحلیل گفتمان انتقادی، مفهوم قدرت است و مطالعه ساختار گفتمان و ساختار قدرت بسیار جذاب است. یکی از وظایف بسیار مهم تحلیل گفتمان، تبیین روابط میان گفتمان و قدرت اجتماعی است. قدرت اجتماعی برحسب کنترل اعمال‌شده از سوی یک گروه یا سازمان یا اعضای آن تعریف می‌شود. در نتیجه، از آزادی عمل دیگران می‌کاهد یا دانش و نگرش آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ممکن است این سؤال به‌وجود آید که چه کسی می‌تواند در حین گفتگو یا توالی‌های گفتمانی نوبت خود را آغاز و یا نوبت دیگران را قطع کند؛ چراکه مشارکین دسترسی متفاوتی به موضوعات، سبک یا فن دارند؛ به‌عنوان نمونه: ممکن است در دادگاه از متهمان خواسته شود تا به زبان معیار تکلم کنند، فقط در مورد موضوع موردبحث سخن بگویند و از سبکی احترام‌آمیز و مؤدبانه استفاده کنند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۶۳-۱۶۲). گیبونز<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) شاخص‌های زبان‌شناختی قدرت را بدین شرح برمی‌شمارد: کسانی که از قدرت بالایی برخوردارند، کلامشان دارای ویژگی‌هایی همچون بلندی صدا و تغییرات در بلندی صدا، بالا بودن زیروبمی صدا، تکرار، قطع سخن، تسلط و غیره و کسانی که از قدرت پایینی برخوردارند، کلامشان دارای ویژگی‌هایی مانند استفاده از عبارات احتیاط‌آمیز، تردید و تأمل، استفاده از عباراتی مانند قربان و جناب، استفاده از کلمات تشدیدکننده و غیره است. این شاخص‌ها در دادگاه و برای پلیس بسیار مهم و ضروری هستند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۶۴).

<sup>۱</sup>. critical discourse analysis

<sup>۲</sup>. forensic discourse analysis

<sup>۳</sup>. J. Gibbons

## ۲-۴- پدیده‌ی ادب

در کاربرد عادی زبان، اصطلاح «ادب» به رفتار شایسته یا متعارف همراه با خصوصیات اجتماعی همچون تربیت مناسب و آداب و رفتار رسمی گفته می‌شود. علاقه‌ی روزافزون به پدیده‌ی ادب زبانی در رشته‌های گوناگون موجب انتشار مقالات تخصصی متعددی با محوریت این موضوع در نشریات برتر علمی زبان‌شناسی و همچنین پیدایش تعاریف و تفاسیر مختلفی شده است. با پیشرفت حاصل در علوم یادشده، پژوهش‌های معاصر پیرامون ادب از نمونه‌های مطلق نخستین که تحلیل‌هایی بر سطح جمله داشت فاصله گرفته و به دیدگاهی جدید مبتنی بر پدیده‌ای گفتمانی بسط یافته است؛ اما با وجود اهمیتی که در تحول این مفهوم وجود دارد، نتایج دقیقی از تحقیقات پیرامون ادب در دست دادن یک چارچوب تحلیلی مستحکم از لحاظ نظری به دست نیامده است. زبان‌شناسان بسیاری موضوع ادب را از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی و کاربردشناسی زبان و یا ادغام این دو، مورد بررسی قرار داده‌اند و اصولی که در رعایت ادب به کار می‌رود را تعریف نموده‌اند. از میان این اصول می‌توان به استفاده از کنش گفتاری مستقیم و کنش گفتاری غیرمستقیم در بیان تقاضا اشاره نمود. بر طبق نظر هیگی و استوارت<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) پژوهش‌هایی که در این باره صورت گرفته و عمدتاً پژوهش‌های تجربی است، شامل بررسی زبان افراد، زبان‌های میان فرهنگی و گونه‌های زبانی در سراسر دنیا می‌شود (جعفرزاده‌افشاری، ۱۳۹۲: ۴-۵). ادب، پدیده‌ای جهانی است و ریشه در فرهنگ هر جامعه‌ای دارد؛ اما در هر زبان به صورتی متفاوت نمایان می‌شود. پدیده‌ی ادب در کاربردشناسی زبان و زبان‌شناسی اجتماعی موضوع جدیدی است که در اروپا و آمریکا از اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ آغاز شده است؛ اما در مطالعات زبانی چین و ژاپن سابقه‌ای طولانی دارد. پدیده‌ی ادب زبانی در مطالعات زبان‌شناختی جایگاه بسیار خوبی پیدا کرده و تحقیقات مختلفی در رابطه با این پدیده صورت گرفته است (صفرمقدم، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۷). یو<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) بیان می‌دارد که اگرچه مفهوم پدیده‌ی ادب در همه‌ی فرهنگ‌ها یکسان است؛ اما با گسترش روابط بین فرهنگی، مفهوم این پدیده در روابط بین فرهنگی بسیار مورد توجه قرار گرفته است و محققین بسیاری علاقه‌مند به تحقیق در مورد این پدیده هستند (امانی و همکاران، ۲۰۱۴: ۵۰۳-۵۰۲).

<sup>۱</sup> L. Hickey & M. Stewart

<sup>۲</sup> K. A. Yu

## ۲-۵- بازجویی<sup>۱</sup>

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب که اخیراً قدرت اجرایی یافته، در مرحله برخورد ضابطین با متهم در جرائم مشهود، ضرورت رعایت برخی حقوق دفاعی از جمله تفهیم اتهام به صورت کتبی و با ذکر دلایل و آن نیز بلافاصله پس از تحت نظر قرار گرفتن متهم را مدّ نظر قرار داده است. پیچیده‌ترین و حساس‌ترین مرحله دادرسی، مرحله میانی یعنی بازجویی یا تحقیق و بازپرسی است (محمدقاسمی، ۱۳۹۵). بازجویی، مصاحبه‌ای است که معمولاً توسط افسران پلیس، نیروهای اطلاعاتی و نظامی و یا مأمورین صلاحیت‌دار قضایی (بازپرس، دادیار و غیره)، با هدف تحقیق و کشف حقیقت از سوی متهم، شاهد یا قربانی انجام می‌شود. به عبارت دیگر، بازجویی روشی قضایی با رعایت حقوق دفاعی متهم و تشخیص اتهام درست از نادرست است که توسط مقام قضایی یا امنیتی صورت می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۳۶-۵۳).

بازجویی یا تحقیق از متهم، رکن اساسی تحقیقات جنایی است. هدف از بازجویی، کشف واقعیت مجرمانه و تشخیص اتهام صحیح از سقیم است؛ بنابراین حداقل یکی از هدف‌های مهم بازجویی رعایت حق دفاع متهم است. برخی از مؤلفان، بازجویی را عبارت از تطبیق اطلاعات به دست آمده با اظهارات مظنون ویژه و اخذ اعتراف از وی دانسته‌اند. به نظر می‌رسد که با توجه به اهمیت حق دفاع متهم در اعمال بازجویی، تعریف جامع بدین صورت است: «بازجویی طرح سؤالات قانونی از متهم یا مظنون به ارتکاب جرم، به منظور کشف واقعیت مجرمانه و تضمین حق دفاع است» (مؤذن زادگان، ۱۳۸۹: ۳۰۵).

## ۳- چارچوب نظری و ادبیات پژوهش

نظریه‌ها و دیدگاه‌های متعددی در مورد پدیده‌ی ادب وجود دارد. از دیدگاه نظریه‌پردازان پسامدرن، در مطالعات گفتمانی، پدیده‌ی ادب/بی‌ادبی کلامی باید با توجه به فرهنگ مورد بررسی قرار گیرد و همچنین آنها این پدیده را ذاتی زبان نمی‌دانند و برای بررسی آن، هنجارهای اجتماعی و بافت نیز لازم است (محمودی‌بختیاری و سلیمیان، ۱۳۹۵: ۱۳۰). ادب از دیدگاه یول (۱۹۹۶) به منزله‌ی مفهومی ثابت همچون رفتارهای اجتماعی

<sup>۱</sup>. interrogation

مؤدبانه یا آداب معاشرت است (شاکری، ۱۳۹۲: ۶). اولین بار گرایس<sup>۱</sup> (۱۹۷۵) چهار اصل کمیّت، کیفیت، ربط و روش/ شیوه و در کنار این اصول، اصل ادب را نیز مطرح ساخت. لیچ<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) این اصل را به‌عنوان یک اصل مستقل گسترش داد و بعد از آن براون و لوینسن (۱۹۷۸) به تکمیل آن پرداختند (طیب، ۱۳۸۱: ۵۰). لیچ (۱۹۸۳) و براون و لوینسن (۱۹۸۷) راهبردهای ادب را بر پایه‌ی اصول همکاری گرایس می‌دانند که رعایت آنها برای برقراری و تداوم ارتباط کلامی بسیار ضروری است (حسینی، ۱۳۸۸: ۸۰). درواقع، معتبرترین نظریه‌ی ادب که بر پایه‌ی اصول همکاری گرایس<sup>۳</sup> بنا شده است، مربوط به نظریه‌ی ادب براون و لوینسن است که در سال ۱۹۷۸ پیشنهاد شد و در سال ۱۹۸۷ به‌صورت مستقل به چاپ رسید (صفرمقدم، ۱۳۸۸: ۸۰). این نظریه از اوایل دهه ۹۰ با مطرح‌شدن رویکردهای گفتمان‌مدار همواره موردانتقاد قرار گرفته است (نک: واتس، ایده و الیش<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵ [۱۹۹۲]؛ ایلن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱؛ واتس، ۲۰۰۳). هر چند برخی از انتقادات طرح‌شده، منطقی و قابل‌قبول است؛ اما به‌دلیل قابلیت بالای مدل براون و لوینسن، انسجام آن، توجه به نکات ریز و جزئی و کاربردی بودن آن در مطالعات میان-فرهنگی از عملی‌ترین و کاربردی‌ترین رویکرد در تحلیل ادب زبانی محسوب می‌شود (هریس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷، به نقل از حسینی، ۱۳۸۸: ۸۱).

نظریه‌ی ادب براون و لوینسن (۱۹۸۷) بر حفظ وجهه‌ی<sup>۷</sup> افراد تکیه دارد، به این معنی که وجهه به تصویری اطلاق می‌شود که اجتماع از هر فرد دارد (صفرمقدم، ۱۳۸۸: ۸۰). با توجه به این نظریه، چند ویژگی مهم در مورد پدیده‌ی ادب وجود دارد: یکی از این ویژگی‌ها، جهانی بودن مفهوم ادب است. دومین ویژگی، تأکید بر هدف فرهنگی بر پایه متغیرهای اجتماعی که در هر تعاملی باعث ایجاد تهدید کنش وجهه<sup>۸</sup> می‌شود (امانی و همکاران، ۲۰۱۴: ۵۰۲). بر طبق این نظریه، اگر فردی به دیگران احترام

1. P. Grice

2. G. Leech

3. Gricean cooperative principles

4. R. J. Watts, S. Ide, and K. Ehlich

5. G. Eelen

6. S. Harris

7. face

8. face threatening acts

می‌گذارد، جهت پیشگیری از به خطر افتادن وجهه خود است. آنها از چند جنبه برای توصیف ادب استفاده کرده‌اند که به شرح ذیل هستند:

الف) وجهه: تصویر اجتماعی فرد؛

ب) وجهه مثبت: علاقه فرد برای اینکه او را دوست بدارند و درک کنند؛

پ) وجهه منفی: علاقه فرد برای آزادی عمل؛

ت) وجهه مثبت ادب: راهبردی است که طی آن، فرد با شنونده رابطه مثبت برقرار می‌کند؛

ث) وجهه منفی ادب: راهبردی است که فرد تلاش می‌کند به خطر افتادن وجهه شنونده را به حداقل برساند (طیب، ۱۳۸۱: ۵۹).

در مدل براون و لوینسن (۱۹۸۷) ادب عبارت است از توجه به وجهه شنونده و به‌کارگیری راهبردهایی به‌منظور کاهش میزان تهدید آن. براون و لوینسن (۱۹۸۷) وجهه را، به تبعیت از گافمن<sup>۱</sup> (۱۹۶۷)، «خودانگاره کلی که هر عضو جامعه برای خود قائل است» تعریف نموده‌اند و برای هر فرد دو نوع وجهه به نام وجهه سلبی (آزادی)<sup>۲</sup> و وجهه ایجابی (تأییدی)<sup>۳</sup> برمی‌شمارند. منظور از وجهه سلبی، میل فرد به آزادی عمل در اجتماع و بیزاری از تحمیل و منظور از وجهه ایجابی، میل او به تأیید شدن، دوست داشته شدن و پذیرفته شدن به‌عنوان عضوی از گروه و جامعه است. این دو وجهه «خواست<sup>۴</sup> یا نیاز» پایه محسوب می‌شوند و هر عضوی از جامعه به این دو وجهه در خود و دیگری توجه داشته و خواستار آن است که به میل یا وجهه-خواست او احترام گذاشته شود، همان‌گونه که او نیز به وجهه-خواست دیگران احترام می‌گذارد؛ اما در تعامل‌های روزمره، خواست‌های افراد در تقابل با یکدیگر قرار گرفته و افراد کنش‌هایی انجام می‌دهند که وجهه دیگران را مورد تهدید قرار می‌دهد. به این‌گونه کنش‌ها، کنش‌های تهدیدگر وجهه اطلاق می‌شود. کنش‌های تهدیدگر وجهه ممکن است وجهه سلبی یا ایجابی یا هر دو نوع وجهه گوینده، شنونده یا هر دو نفر را تهدید نمایند. مخالفت یکی از کنش‌هایی است که وجهه ایجابی مخاطب را تهدید می‌کند. درواقع، هرگونه عمل کلامی و غیر آن تهدیدکننده وجهه است (حسینی، ۱۳۸۸: ۸۱).

<sup>۱</sup> E. Goffman

<sup>۲</sup> negative face

<sup>۳</sup> positive face

<sup>۴</sup> face want



تهدید وجهه تجربه‌ای دشوار و امری اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. هر زبانی مجموعه‌ای از ابزارها را برای کاهش تهدید وجهه در اختیار سخنگویان خود قرار می‌دهد؛ به مجموعه‌ی این ابزارها ادب زبانی گفته می‌شود. به منظور رعایت ادب و کاهش میزان تهدید/تحمیل، سخنگو گزینه‌هایی در اختیار دارد و می‌تواند به چند طریق عمل کند؛ به‌عنوان نمونه: تصمیم‌گیری در مورد انجام یا عدم انجام کنش تهدیدگر وجهه است. در صورتی که سخنگو تصمیم به انجام کنش موردنظر بگیرد (نخواهد سکوت کند)، می‌تواند آن را به‌صورت مستقیم یا ضمنی انجام دهد. در شکل مستقیم دو گزینه وجود دارد:

الف) کاملاً مستقیم، بدون استفاده از ابزارهای جبرانی مثل دستور، انتقاد یا تقاضای مستقیم؛

ب) با استفاده از ابزارهای جبرانی.

ابزارهای جبرانی بر دو نوع‌اند: (۱) ابزارهایی که منجر به رعایت وجهه ایجابی می‌شود (ادب ایجابی<sup>۱</sup>؛ مانند موافقت، تأکید بر وجوه اشتراک، ابراز علاقه به شنونده و امثال آنها)؛ (۲) ابزارهایی که منجر به حفظ وجهه سلبی می‌شود (ادب سلبی<sup>۲</sup>؛ مانند غیرمستقیم‌گویی در حد متعارف، استفاده از تعدیل‌گرها<sup>۳</sup> (مثلاً: «فکر می‌کنم»، «تا حدودی»، «به نظر من»، «فروتنی»)). همچنین براون و لوینسن (۱۹۸۷) سه عامل را در انتخاب ابزارهای زبانی ادب مؤثر می‌دانند: روابط نسبی قدرت بین گوینده و مخاطب، فاصله اجتماعی بین آنها و شدت تهدید وجهه (همان: ۸۲-۸۱).

همان‌طور که اشاره شد در کشور ما در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی و کاربردشناسی زبان در مورد موضوع ادب تحقیقات مختلفی صورت گرفته است؛ اما به نظر می‌رسد در حوزه زبان‌شناسی حقوقی آن‌چنان تحقیقاتی صورت نگرفته است (نک: اسلامی‌راسخ، ۱۹۹۳؛ یارمحمدی، ۱۹۹۵؛ صحراگرد، ۲۰۰۰؛ عموزاده، ۲۰۰۱؛ کشاورز، ۲۰۰۱؛ کوثلیکی، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۹؛ یارمحمدی، ۲۰۰۳؛ شریفیان، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸؛ سلمانی‌ندوشن، ۲۰۰۸؛ شاهرخی و بیدآبادی، ۲۰۱۳؛ امانی و همکاران، ۲۰۱۴؛ علی‌اکبری و معلمی، ۲۰۱۵؛ صادق‌وقلی و نیرومند، ۲۰۱۶؛ جهانگیری، ۱۳۷۸؛ طیب، ۱۳۸۱؛ فخرروحانی، ۱۳۸۲؛

1. positive politeness

2. negative politeness

3. hedges

علی‌نژاد، ۱۳۸۴؛ حسینی، ۱۳۸۸؛ صفارمقدم، ۱۳۸۸؛ شاکری، ۱۳۹۲؛ جعفرزاده‌افشاری، ۱۳۹۲؛ محمودی‌بختیاری و سلیمیان، ۱۳۹۵) و از جمله افرادی که در مورد پدیده‌ی ادب در خارج از ایران به مطالعه و بررسی پرداخته‌اند می‌توان به (نک: لیکاف، ۱۹۷۳ و ۱۹۷۵؛ لیچ، ۱۹۸۳؛ براون و لوینسن، ۱۹۸۷؛ ایلن، ۲۰۰۱؛ واتس، ۲۰۰۳؛ الیش، ۲۰۰۵؛ واگنر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰؛ کانتسی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲؛ براون، ۲۰۱۵) اشاره کرد.

#### ۴- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

پژوهش حاضر از نوع کیفی و روش گردآوری اطلاعات به دو صورت میدانی و کتابخانه‌ای است. در روش میدانی، محقق با مراجعه به دادسرای عمومی و انقلاب استان بوشهر و مشاهده‌ی چندین بازجویی و در روش کتابخانه‌ای در دو فضای واقعی و مجازی اقدام به گردآوری اطلاعات کرده است. جهت گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و ادبیات پژوهش، محقق پس از مطالعه منابع موجود اعم از مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های مرتبط با موضوع و با بررسی پرونده‌های قضایی در محیط دادسرا و تجزیه و تحلیل پرونده‌های موجود به صورت شفاهی و مکتوب که روند بازجویی در آنها ثبت شده است، به تحلیل و توصیف آنها پرداخته است.

#### ۵- نمونه و روش نمونه‌گیری

محقق از بین تعداد زیادی شُعب مختلف دادسرای عمومی و انقلاب استان بوشهر، یکی از شُعب را انتخاب کرده و از بین تعداد بی‌شماری پرونده قضایی به صورت مکتوب و شفاهی به مطالعه پنجاه پرونده و تجزیه و تحلیل آنها پرداخته است. در پژوهش حاضر، یازده پرونده قضایی به عنوان نمونه به صورت تصادفی انتخاب شده است که از این میان، ۸ پرونده به صورت شفاهی (پرونده باز) و ۳ پرونده به صورت مکتوب (پرونده مختومه) است.

#### ۶- توصیف و تحلیل داده‌ها

در این بخش به دلیل محدودیت در تعداد صفحات مقاله از ذکر تمامی نمونه‌های بررسی شده که شامل یازده متن بازجویی به صورت مکتوب و شفاهی است خودداری و تنها به یک نمونه اشاره و در انتها به نتایج یافته‌ها اشاره می‌شود.

<sup>۱</sup>. L. C. Wagner

<sup>۲</sup>. P. Kuntsi

همچنین می‌توان افزود که زبان‌شناسان حقوقی همانند آواشناسان علائم خاصی را به‌وجود آورده‌اند تا برای ترسیم بافت بازجویی و درک متقابل از آن استفاده کنند؛ بنابراین در پژوهش حاضر برای تحلیل زبان‌شناختی پرونده‌های قضایی به‌صورت مکتوب و شفاهی از این علائم استاندارد و جهانی بهره برده شده است؛ به‌عنوان نمونه: آنچه بازجوی پلیس یا بازپرس می‌گوید با حرف اختصاری «ب» و آنچه که متهم یا مظنون می‌گوید با حرف اختصاری «م» و شاکی با حرف اختصاری «ش»، مکث با ذکر زمان با علامت (،) بالا بردن صدا با ↑، پایین آوردن صدا با ↓، قطع کلام با حرف اختصاری «قطک»، سؤال با مفهوم سؤال به‌علاوه مفهوم دیگر (مثال: مفهوم تعجب یا اعتراض) با علامت «!؟»، توضیح در مورد بافت موقعیتی یک گفته خاص یا به‌طور کلی بافت موقعیت با علامت {} نشان داده می‌شود. همچنین برای رعایت امانت‌داری از آوردن اسامی خودداری و به‌جای آن از حروف الفبای فارسی مانند «الف، ب، ج و غیره» استفاده شده است (عزیزی و مؤمنی، ۱۳۹۱: ۳۴۵).

#### ۶-۱- تحلیل زبان‌شناختی متن شفاهی بازجویی

موضوع: سرقت

بافت موقعیت<sup>۱</sup> گفتمان: بازجویی ذیل در مورد سارقی ۳۵ ساله است که با همدستی سارق دیگر اقدام به سرقت اتومبیل می‌کرده است. بازجو با توجه به شواهد اطلاع دارد که متهم در ارتکاب این جرم شریکی دارد. او در این بازجویی می‌تواند از متهم اقرار بگیرد.

متن شفاهی بازجویی

ب: چند سالتنه؟

م: ۳۵ سال.

ب: چقدر زندان بودی؟

م: بعضی وقتا یادم میاد. بپرس چند سال بیرون بودی؟ (نقض اصل ادب)

<sup>۱</sup>. context of situation

متهم با پاسخ «بعضی وقتا یادم میاد. بپرس چند سال بیرون بودی؟»، اصل ادب را نقض کرده است؛ زیرا پرسش بازجو را با پرسش و تمسخر پاسخ داده است. اصل ادب با روابط قدرت تنیده شده است؛ یعنی، رعایت راهبردهای ادب می‌تواند به دلیل رابطه زبردستی (متهم) نسبت به یک مقام برتر (بازجوی پلیس) باشد؛ اما با نقض اصل ادب توسط متهم که در جایگاه فرودست قرار دارد، این احتمال وجود دارد که بازجو به درستی بر روند بازجویی و متهم تسلط و قدرت کافی ندارد.

**ب: حُب چند سال بیرون بودی؟**

**م: سرجمع ۱۵ سال. (نقض اصل ادب)**

**ب: به این میگی زندگی... هان؟**

**م: الان منو آوردی اینجا نصیحتم کنی؟! {لحن اعتراضی} (نقض اصل ادب)**

هدف بازجو از نرم و با ملایمت سخن گفتن با متهم این است که قصد دارد بر روی وی تأثیر بگذارد. در حقیقت، قصد دارد محیط بازجویی را امن جلوه دهد تا بتواند از وی اقرار بگیرد. متهم با پاسخ «سرجمع ۱۵ سال»؛ اصل ادب را نقض کرده؛ زیرا به گونه‌ای پاسخ پرسش‌های بازجو را می‌دهد که گویی از زندان رفتن خود پشیمان نیست و هراسی ندارد. همچنین وی با پاسخ «الان منو آوردی اینجا نصیحتم کنی؟!»؛ مجدداً نقض اصل ادب را سبب شده است؛ زیرا متهم به گفته‌ی بازجو اعتراض نشان داده است.

**ب: نه عزیزم. آوردمت چند تا سؤال ازت کنم.**

**م: من هیچی نمی‌دونم.**

متهم با بیان «من هیچی نمی‌دونم»؛ در مقابل بازجو مقاومت می‌کند. متهم در ابتدا حاضر به همکاری با بازجو نیست و حقیقت را کتمان می‌کند و سعی در طفره‌روی و بی‌گناه جلوه دادن خود دارد. وی پاسخ مرتبطی در رابطه با پرسش‌های بازجو نداده است. به طور کلی، متهمین در شروع بازجویی حاضر به پذیرفتن جرائم خود نیستند؛ ولی در پایان یک بازجویی موفق جرائم ارتكابی خود را می‌پذیرند.

**ب: حُب هر چی میدونی بگو.**

**م: اونم نمی‌دونم. (نقض اصل ادب)**

بازجو در برابر مقاومت و طفره‌روی متهم همچنان پرسش‌های خود را تکرار می‌کند تا بتواند متهم را وادار به اقرار کند. تکرار پرسش از سوی بازجو نتایجی را در بر خواهد

داشت و دارای ویژگی‌هایی است. تکرار نمونه‌ای از اعمال فشار است؛ بنابراین تکرار پرسش‌ها از سوی بازجو بیانگر قدرت وی است. در مقابل، متهم با بیان «اونم نمی‌دونم»؛ اصل ادب را نقض کرده است. متهم همچنان مقاومت کرده و حاضر به همکاری با بازجو نیست. درواقع، او از پاسخ دادن اجتناب می‌ورزد. طفره‌روی و پنهان‌کاری متهمین به دلیل گناه کار بودن و عدم قدرت آنها است.

ب: که اونم نمی‌دونی؟ هیچی نمی‌دونی، نه؟ حافظه‌ات تعطیله؟ (نقض اصل ادب)  
ببین من ازت سؤال می‌پرسم؛ خُب اگه جواب بدی که هیچی... اگه جواب ندی،  
دو بار دیگه می‌پرسم، میشه سه بار... دفعه سوّم تو باید تصمیم بگیری، یا  
حافظه‌ات برمی‌گرده یا من برش می‌گردونم... حواست هست چی میگم؟ (↑)  
{لحن تهدیدی}

م: بله.

بازجو با بیان «که اونم نمی‌دونی؟ هیچی نمی‌دونی، نه؟ حافظه‌ات تعطیله؟» اصل ادب را نقض کرده است. بازجو همچنین با به کار بردن این عبارات «ببین من ازت سؤال می‌پرسم؛ خُب اگه جواب بدی که هیچی... اگه جواب ندی، دو بار دیگه می‌پرسم، میشه سه بار... دفعه سوّم تو باید تصمیم بگیری، یا حافظه‌ات برمی‌گرده یا من برش می‌گردونم... حواست هست چی میگم؟»؛ از لحن تهدیدی با صدای بلند استفاده کرده است؛ زیرا متهم مقاومت کرده و حاضر به اقرار کردن نیست؛ بنابراین بازجو از این شیوه که از نشانه‌های قدرت است را به کار برده و می‌تواند بر روی متهم تأثیر بگذارد؛ زیرا به نوعی باعث ایجاد ترس در او می‌شود.

ب: خودت تنها ماشینا رو می‌دزدیدی، درسته؟

م: نه. (نقض اصل ادب)

ب: اها، پس تو شریک هم داری؟

م: حالا من همه چی رو بریزم وسط، به حالم فرقی می‌کنه؟ (نقض اصل ادب)

متهم مجدداً با چنین پاسخی، اصل ادب را نقض نموده و پاسخ متهم، مبهم بوده است و هیچ‌گونه ارتباط منطقی با پرسش بازجو ندارد. از نظر نگارنده، متهم با اطمینان خاطر با بازجو صحبت می‌کند و به نظر می‌رسد برای او فرقی ندارد که اعتراف کند؛ زیرا زندان رفتن برای او عادی است.

ب: ببین فرقی هم نکنه، روحیه‌ات عوض میشه. حرف بزن.

م: تو زندان که بودم با یکی آشنا شدم به اسم آقای الف.

ب: خُب.

م: تخصصش بازکردن قفل ماشین و از این چیزا بود. چند وقت پیش اومد

سراغم. بهم یه پیشنهاد کاری خوب داد. گفت یه کار سراغ داره که پول خوبی

توشه.

ب: که پول خوبم توش هست، ها؟

م: بهم گفت دستمزدت برابر یکسال دل و دزدیه.

ب: خُب.

م: برنامه‌ام این بود که ماشین بزنم ولی پول از یه جای دیگه در بیاد.

ب: این آقای الف که میگی کیه؟

م: همین که تو زندان آشنا شدم دیگه! (نقض اصل ادب)

متهم با پاسخ «همین که تو زندان آشنا شدم دیگه!» اصل ادب را نقض کرده است.

ب: یا توفش کجاست؟

م: یه آدرس قدیمی اژش دارم.

ب: آدرس قدیمیشو بنویس اینجا.

م: آخه این آدرس الان بدرد نمی‌خوره.

ب: اونش با ما.

م: یعنی از وقتی با این آدم ... قطک: ب: بنویس بابا... بنویس. (1)

به نظر می‌رسد متهم با این‌گونه پاسخ دادن، قصد طفره‌روی دارد. متهم گمان می‌کند

به راحتی می‌تواند با طفره‌روی بازجو را فریب داده و جرم خود را کم‌رنگ سازد. بازجو

کلام او را قطع کرده و با صدای بلند از او درخواست نوشتن آدرس را دارد. قطع کلام و

نوبت سخن به دست‌آمده گرفتن، بالا بردن زیربومی صدا، بلندی صدا و تغییرات در

بلندی صدا از بازنمودهای قدرت در زبان محسوب می‌شوند؛ بنابراین بازجو همچنان

قدرت و تسلط بر محیط و روند بازجویی دارد.

م: آدرسش عوض شده، خودش میره سراغ آدماش.

**ب: آدرسش بنویس. راجع به بقیه‌اش بعد باهم صحبت می‌کنیم.**

می‌توان اظهار داشت که متهم به دلیل ارتکاب جرم و گناه کار بودن، مدام طفره‌روی می‌کند و قصد وی، طولانی کردن مدت‌زمان بازجویی است؛ زیرا او گمان می‌کند با این ترفندها می‌تواند بازجو را گمراه سازد و همه‌چیز را به نفع خود به پایان برساند.

**۲-۶- بحث و بررسی حاصل از تحلیل سؤال‌هایی که در آن ادب و احترام**

**رعایت شده**

در بازجویی‌هایی که سؤال‌ها و رفتارهایی که در آن ادب و احترام حفظ‌شده بود، اکثر متهمان با آنها به شکل تمسخرآمیز برخورد می‌کردند و چون آلت فشار نمی‌دیدند به کارهایی که انجام دادند یا نظاره‌گر آن بودند، اعتراف نمی‌کردند و به امید اینکه بازجویی تمام شود و آنها را بدون گناه آزاد کنند، به طفره‌روی و منحرف کردن بازجویی دست می‌زدند.

در بسیاری از موارد نیز متهمان به بلند کردن صدای خود و دادو فریاد کشیدن سر بازجو اقدام می‌کنند که در نتیجه، این ادله پیش می‌آید که در بازجویی‌ها حتی با داشتن شواهد و مدارک کافی، اگر بازپرس فقط با احترام و ادب صحبت کند و به تندی، تهدید و فشار دست نزند، هیچ‌یک از متهمان به کارها و جرم‌های صورت گرفته، اعتراف نمی‌کنند.

**۳-۶- بحث و بررسی حاصل از تحلیل سؤال‌هایی که در آن با تندی، تهدید و**

**فشار برخورد شده**

در این بازجویی‌ها، ابتدا اکثر متهمان به انکار دست زدند و سپس قصد منحرف کردن بازجویی را داشتند؛ ولی با متوجه شدن به تندی‌ها، تهدیدها و فشارهای بازپرس و اینکه راه فراری ندارند، از ترس افزایش جرم و تخفیف نگرفتن در مجازات شروع به اعتراف کردن، نمودند و بازجویی سریع‌تر به جواب رسید.

**۷- نتیجه**

پژوهش حاضر با هدف تحلیل و توصیف رابطه بین ابزار قدرت و پدیده‌ی ادب با استفاده از راهبردهای ادب براون و لوینسن (۱۹۸۷) در پیشبرد روند بازجویی بوده که با فرضیه ذیل روبرو است:

**با رعایت اصول ادب و قدرت زبانی می‌توان روند بازجویی را بهتر پیش برد.**

اما نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش چیز دیگری را نشان می‌دهد و آن این است که با رعایت ادب (راهبردهای ادب براون و لوینسن (۱۹۸۷)) نمی‌توان مسیر بازجویی را به‌خوبی پیش برد؛ زیرا متهمان به‌دلیل نبودن فشار و تهدید از پاسخگویی به سؤال‌ها طفره می‌روند؛ ولی با اعمال فشار، تندی و تهدید که از نشانه‌های قدرت و بیانگر قدرت بازجو در روند بازجویی است، مسیر بازجویی به‌خوبی پیش رفت و متهمان اعتراف کردند؛ بنابراین با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، فرضیه ما رد می‌شود.

یکی از دلایل حفظ ادب در روند بازجویی از سوی متهم می‌تواند رعایت فاصله اجتماعی باشد؛ چراکه بازجوی پلیس از قدرت اجتماعی بالاتری نسبت به متهم برخوردار است. در روند بازجویی، بازجوی پلیس به‌دلیل افزایش قدرتی که نسبت به متهم دارد، به‌منظور رعایت اصل ادب به‌صورت غیرمستقیم از راهبردهای ادب زبانی استفاده می‌کند. در روند بازجویی، اگر بازجوی پلیس، متهم را تحقیر کند و ادب زبانی را رعایت نکند، متهم احساس ناامنی می‌کند. قطع کردن کلام متهم و نوبت سخن به دست گرفتن توسط بازجوی پلیس به‌نوعی مرتبط با نقض اصل ادب است. عامل قدرت در روند بازجویی با عواملی همچون شرایط اختصاصی بافت موقعیتی محیط بازجویی و تفاوت سطح اجتماعی بین بازجو و متهم ظهور پیدا می‌کند. به‌طور کلی، در محاکم قضایی به‌دلیل رسمی بودن محیط دادگاه، همه‌ی عوامل و کارکنان سعی دارند ادب را رعایت کنند. در واقع، سعی در حفظ وجهه‌ی خود دارند. با رعایت اصل ادب توسط متهم باعث می‌شود بازجوی پلیس با آرامش بیشتری بر روند بازجویی قدرت و تسلط کافی داشته باشد و یک محیط امن و دوستانه را برای متهم و اقرار گرفتن از او به‌وجود آورد. بازجوی پلیس در روند بازجویی با در اختیار داشتن قدرت در جایگاه فرادست قرار دارد و متهم به سبب مجرم بودن و عدم قدرت در جایگاه فرودست قرار می‌گیرد؛ بنابراین عواملی همچون طفره‌روی، انکار، حاشیه‌سازی، طولانی کردن زمان بازجویی و پنهان‌کاری از سوی متهم باعث می‌شود بازجوی پلیس در روند بازجویی برای گرفتن اعتراف صحیح و به نتیجه منطقی رسیدن، پدیده‌ی ادب زبانی را نقض کند. می‌توان استنباط نمود هنگامی که متهم به خاطر ارتکاب جرائم، خود را در تنگنا می‌بیند، شروع به رفتار و کردار غیرمؤدبانانه کرده و در گفتمان خود اصل ادب را نقض می‌کند. همچنین، هنگامی که متهم به خاطر پرسش‌های مکرر بازجو تحت‌فشار قرار می‌گیرد و قصد اقرار کردن هم نداشته باشد، می‌توان نتیجه گرفت که پدیده‌ی ادب زبانی را نقض می‌کند. در واقع، برای



گمراه ساختن بازجو از این روش استفاده می‌کند. هنگامی بازجوی پلیس از قدرت خود در روند بازجویی استفاده می‌کند که متهم حاضر به همکاری کردن نیست؛ زیرا همواره بازجو سعی در امن و آرام جلوه دادن محیط بازجویی را دارد و هنگامی که متهم، ادب را رعایت نکند، بازجو از قدرت خود استفاده می‌کند. همچنین متهم به دلیل مجرم بودن و عدم قدرت در محاکم قضایی سعی در مثبت نشان دادن خود دارد. در واقع، همواره قصد دارد با این‌گونه رفتار کردن به‌نوعی جرم خود را کم‌رنگ سازد یا خود را بی‌گناه جلوه دهد. می‌توان افزود که هدف بازجو در روند بازجویی، گرفتن اعتراف از متهم است و دلیلی برای نگه‌داشتن وجهه خود ندارد و در صورت نیاز مجبور می‌شود کلام متهم را قطع کند و نوبت سخن را به دست گیرد و همچنین با صدای بلند و لحن تهدیدی سخن بگوید که به‌نوعی این عوامل، نقض اصل ادب را می‌رسانند؛ اما برای بازجوهای پلیس و بازپرس‌ها این امر کاملاً معمول و ضروری به نظر می‌رسد.

بنابراین می‌توان اظهار داشت که میان اصل ادب و قدرت ارتباط وجود دارد. به‌طور کلی، افراد تمایل به حفظ ادب زبانی دارند و خود را با محیط و افراد دیگر وفق می‌دهند. افراد در مکالمات انتظار رعایت احترام و ادب را از یکدیگر دارند و سخن بی‌ادبانه را نمی‌پسندند. فردی که از قدرت بیشتری برخوردار است نسبت به فرد ضعیف‌تر از راهبردهای بی‌ادبی بیشتری (نقض اصل ادب زبانی) استفاده می‌کند؛ یعنی، هر چه قدرت افراد بیشتر باشد از استراتژی‌های بی‌ادبی بیشتری و هر چه قدرت افراد کمتر باشد از استراتژی‌های ادب بیشتر استفاده می‌کنند. شیوه‌های رعایت پدیده‌ی ادب زبانی، تابعی از روابط قدرت هستند و متغیر قدرت نقش مهمی در رابطه با اصل ادب دارد.

## منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی)* (ویراست دوم)، تهران، نشر علم.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۲). نقش دانش زبانی و زبان قدرت در کنترل و طبقه‌بندی و مدیریت اطلاعات در زبان‌شناسی حقوقی. *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی* (۳۴-۱۳)، تهران، نشر نویسه پارس.
- بیات‌مختاری، آسیه (۱۳۹۱). بررسی پیچیدگی‌های زبانی در خواندن و درک متون نوشتاری قوانین مالیاتی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور واحد تهران.
- جعفرزاده‌افشاری، زینب (۱۳۹۲). رعایت ادب در کنش‌های بیانی کودکان فارسی‌زبان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.

- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق* (جلد پنجم)، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- جهانگیری، نادر (۱۳۷۸). گونه‌های احترام، سلطه و همبستگی در زبان فارسی. در *زبان: بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه (مجموعه مقالات)* (۱۵۹-۱۲۵)، تهران، نشر آگه.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۸). ادب و قدرت: نشانگرهای زبانی مخالفت در جلسات دفاع از پایان‌نامه. *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان، ۱۰۰-۷۹.
- شاکری، سپیده‌سادات (۱۳۹۲). بازنمایی و توصیف مبانی و راهبردهای رعایت ادب بر اساس متغیر جنسیت در داستان‌های کوتاه فارسی از دیدگاه کاربردشناسی زبان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- سفارمقدم، احمد (۱۳۸۸). مقایسه‌ی عناصر ادب در زبان‌های کره‌ای و فارسی. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره دوم، شماره اول، بهار، ۹۷-۷۷.
- طیب، سیدمحمدتقی (۱۳۸۱). ریشه‌های گفتمان‌شناسی در ادب پارسی. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۳، ۶۷-۴۹.
- عزیزی، سیروس؛ نگار مؤمنی (۱۳۹۱). *زبان‌شناسی حقوقی درآمدی بر زبان، جرم و قانون*، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- علی‌نژاد، بتول (۱۳۸۴). «ما» ی تعاملی تجلی «خود» اجتماعی ایرانی، در گرایش‌های نوین در زبان‌شناسی و آموزش زبان (جلد اول). *مجموعه مقالات ارائه‌شده در اولین همایش زبان‌شناسی و آموزش زبان در ایران* (۲۷۷-۲۶۲)، تهران، انتشارات سمت.
- فخر روحانی، محمدرضا (۱۳۸۲). کاربردشناسی ادوات تکریم در گفتمان دینی فارسی معاصر. رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- محمدقاسمی، حامد، حقوق دفاعی متهم در مرحله بازجویی در قانون آیین دادرسی کیفری، [sb.basij.law.ir](http://sb.basij.law.ir).
- محمودی‌بختیاری، بهروز؛ سمیه سلیمیان (۱۳۹۵). بررسی بی‌ادبی کلامی در نمایش‌نامه صیادان. *دوماهنامه‌ی جستارهای زبانی*، دوره هفتم، شماره اول، بهار، ۱۴۹-۱۲۹.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۸۹). تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی. *پژوهش حقوق و سیاست*، سال دوازدهم، شماره بیست و هشتم، بهار، ۳۰۱-۳۰۱.
- نامورفرگی، مجتبی (۱۳۹۲). بررسی امکان استفاده از فضای واکه‌ای زبان فارسی و جایگاه دقیق سازه‌های واکه‌ای در گفتار سخنگویان فارسی‌زبان، در *بازشناسی حقوقی سخنگو*. *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی* (۱۶۴-۱۴۳)، تهران، نشر نویسه پارسی.

Aliakbari, M, and R. Moalemi. 2015. Variation of politeness strategies among the Iranian students, *Theory and Practice in Language Studies*, 5 (5), 981-988.

- Amany, F, and M. Davoudi, M. O. Jaghi. 2014. A corpus- based study on the translation of politeness strategies with emphasis on address terms, *International Journal of Language Learning and Applied Linguistics Words*, 5 (1), 502-522.
- Amouzadeh, M. 2001. Politeness in Persian, *Language Forum*, 27, 131-141.
- Brown, G, and G. Yule. 1983. *Discourse Analysis*, UK: Cambridge University Press.
- Brown, P, and S. Levinson. 1987. *Politeness: Some Universals in Language Usage*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Brown, P. 2015. Politeness and Language, *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 2<sup>th</sup>ed Vol. 18.
- Eelen, G. 2001. *A Critique of Politeness Theories*, Manchester: St. Jerome.
- Eslami-Rasekh, Z. 1993. A cross-cultural comparison of the requestive speech act realization patterns in Persian and English in L. F. Bouton & Y. Kachru (Eds.), *Pragmatics and language learning, Monograph Series*, Vol. 4, 75-90. Urbana, IL: Division of English as an International Language, University of Illinois at Urbana Champaign.
- Keshavarz, M. H. 2001. The role of social context, intimacy, and distance in the choice of forms of address, *International Journal of the Sociology of Language*, 81-5: 841.
- Koutlaki, S. A. 2002. Offers and expressions of thanks as face enhancing acts: tæ'arof in Persian, *Journal of Pragmatics*, 65-3371: 43.
- \_\_\_\_\_. 2009. Two sides of the same coin: how the notion of 'face is encoded in Persian communication in Francesca Bargiela-Chiappini, Michael Haugh (Eds.), *Face, Communication and Social Interaction*, 115-133. London: Equinox Press.
- Kuntsi, P. 2012. Politeness and impoliteness strategies used by lawyers in the 'Dover trial'- A case study, *English Language Pro Gradu- Thesis*, 1-69.
- Lakoff, R. 1973. The logic of politeness; or minding your p's and q's, *Chicago Linguistics Society*, 8: 292-305.
- \_\_\_\_\_. 1975. *Language and Woman's Place*, New York: Harper & Row.
- Leech, G. 1983. *Principles of Pragmatics*, London: Longman.
- Sadeghoghli, H, and M. Niroomand. 2016. Theories on politeness by focusing on Brown and Levinson's politeness theory, *International Journal of Educational Investigations*, 3 (2), 26-39.
- Sahragard, R. 2000. Politeness in Persian: A cultural pragmatic analysis Doctoral dissertation, Leicester University.
- Salmani-Nodoushan, M. A. 2008. Iranian complainers' use of conversational strategies: A politeness study, *Iranian Journal of Language Studies*, Vol. 2 (2), 187-214.

- Shahrokhi, M, and S. Bidabadi. 2013. An overview of politeness theories: Current status, future orientations, *American Journal of Linguistics*, 2 (2). 17-27.
- Sharifian, F. 2005. The Persian cultural schema of *shekasteh-nafsi*: A study of compliment responses in Persian and Anglo-Australian speakers, *Pragmatics and Cognition*, 13 (2), 61-337.
- Sharifian, F. 2008. Cultural schemas in L1 and L2 compliment responses: A study of Persian-speaking learners of English, *Journal of Politeness Research*, 4, 55-80.
- Wagner, L.C. 2010. Positive and negative politeness strategies: Apologizing in the speech community of Cuernavaca, Mexico university of Louisville, *Spanish In Context*, 7 (2), 254-278.
- Watts, R. J. 2003. *Politeness*, UK: Cambridge University Press.
- Watts, R. J, and S. Ide, K. Ehlich (Eds). 1992. *Politeness in Language: Studies in its History, Theory and Practice*, Berlin/ New York: Mouton de Gruyter. Watts, Richard J., Sachiko Ide, and Konrad Ehlich (Eds). 2005. *Politeness in Language: Studies in its History, Theory and Practice* (2<sup>nd</sup> edn.), Berlin/ New York: Mouton de Gruyter.
- Yarmohammadi, L. 1995. More on the analysis of politeness forms in English and Persian: A sociopragmatic approach, *In Fifteen Articles in Contrastive Linguistics and the Structure of Persian: Grammar, Text and Discourse*, 51- 139, Tehran: Rahnama Publication.
- Yarmohammadi, N. 2003. Politeness strategies in English and Persian in contrast Doctoral dissertation, Allameh Tabataba'i University.